

ضرورت مشارکت همه جانبه مردم با دستگاه تعلیم و تربیتافسانه عبدی^۱

کارشناسی علوم تربیتی، دانشگاه فرهنگیان بنت الهدی اردبیل

فاطمه عبدی

کارشناسی پرستاری، دانشگاه علوم پزشکی اردبیل

شهربانو عظیم زاده

کارشناسی ارشد ادبیات فارسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد پارس آباد

پریسا نصیری

کارشناسی ادبیات فارسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد پارس آباد

شهریار عبدی

کاردانی گرافیک کامپیوتر، دانشگاه آزاد اسلامی واحد پارس آباد

چکیده

در جامعه امروزی برای دستیابی آموزش و پرورش کشور به جایگاه نوین باید مشارکت مردمی در دستگاه تعلیم و تربیت کشور بیشتر شود و در این راستا مشارکت مردمی و دستگاه های اجرایی ضروری است، چرا که رفع مشکلات اجتماعی، مقابله با ناهنجاری ها و انجام و اجرای فعالیتهای فرهنگی، اجتماعی و عمرانی تنها با فرهنگ سازی صحیح امکان پذیر است. آنچه که امروز برای نظام آموزشی ما اهمیت دارد تلاش همه جانبه برای رسیدن به افق ترسیم شده در سند چشم انداز توسعه است که کشورمان رتبه اول تولید علم را در منطقه به دست آورد. تعهد نسبت به بالا بردن کیفیت در آموزش و پرورش مستلزم مشارکت های فعال و مستمر در جهت بهبود آنچه به کار می بریم، می باشد. در برخی از کشورهای پیشرفته اولیا به سیاست و طرز کار مدارس علاقه مند شده اند، زیرا فهمیده اند که اصل عمده تشکیل نظام آموزشی، مشارکت است و به طور فعالانه در انتخاب و تنظیم برنامه، تعیین روش تدریس، درجه تمرکز یا توزیع، ضابطه و ملاک ارزشیابی دخالت دارند. در آموزش و پرورش زیربنایی ترین مسئله به عنوان یکی از زیرساخت های فکری و اندیشه ای اصلی، نظام آموزش و پرورش مشارکت و همفکری مردم با این ارگان و نهاد مقدس می باشد. اگر تمامی مردم فرهنگ دوست کشور به هر نحوی که می توانند دست به دست هم دهند و پیوند خود را با آموزش و پرورش مستحکم نمایند، نهادینه شدن اصل آموزش و پرورش، مشارکت ریشه ای مردمی، فرهنگ سازی، اعتلای فرهنگ غنی اسلامی و ملی در جامعه و بالندگی علمی کشور را پیش رو خواهیم داشت. برای رسیدن به این امر مهم و حساس می طلبد تا با انجام پژوهش و تحقیق گسترده، راه هایی را که این مشارکت را در بین مردم و جوامع افزایش می دهد شناسایی نموده تا از این راه بتوان با به کارگیری نتایج صحیح آن تحقیقات و پژوهش ها، به اهداف مورد نظر خود دست یابیم.

واژگان کلیدی: مشارکت، آموزش و پرورش، تعلیم و تربیت

^۱ نویسنده مسئول: a.abdi1373@gmail.com

مقدمه

هر چند حل مشکلات آموزش و پرورش بدون مشارکت مردم ممکن نیست به دلیل اینکه دولت به تنهایی قدرت اداره ی آموزش و پرورش را ندارد و مشارکت فکری و عملی مردم امری اجتناب ناپذیر است شوراهای آموزش و پرورش قادرند زمینه جلب و تقویت مشارکت های مردمی در برنامه ریزی ها و تصمیم گیری های آموزش و پرورش را فراهم آورند. موقعیت سرمایه گذاری دولت در امر آموزش و پرورش، کشور ما را جزو بیست کشور موقعیت اول جهان که بالاترین سهم بودجه خویش را صرف بخش آموزش و پرورش نموده اند قرار داده است. این در شرایطی است که در مقایسه تطبیقی بین المللی از نظر سهم سرانه دانش آموزی با توجه به جمعیت گسترده دانش آموزان، کشور ما رتبه هفتم را دارد. این امر به خوبی نشان می دهد که علی رغم سرمایه گذاری وسیع دولت در امر آموزش و پرورش به دلیل عدم بهره گیری از مشارکت های مردمی در این بخش مهم، وضعیت توزیع امکانات آموزشی چندان مطلوب نیست. اگر واقعاً به آموزش و پرورش به عنوان محور توسعه ملی معتقد باشیم و بدانیم که امروزه در جهان کشورهایی که با عزم راسخ ملی، سرمایه گذاری اصلی و و برنامه ریزی اساسی خویش را به تقویت و تحکیم پای ههای این بخش مهم اختصاص داده و به همین دلیل، در شاخص های توسعه به توفیقات مهمی دست یافته اند، قطعاً به برنامه ریزی اصولی و سرمایه گذاری زیر بنایی برای امر آموزش و پرورش در کشور توجه بیشتری معطوف خواهیم داشت.

تعریف مفاهیم

مشارکت جاری شدن اختیاری قدرت از یک سطح سازمان به سطوح دیگر است به گونه ای که منجر به افزایش سطح توان متوسط آن سازمان شود. دکتر کلباسی در تعریف مشارکت چنین می نویسد: مشارکت را می توان از دیدگاه وسیع و محدود تعریف کرد، مشارکت در معنی وسیع خود عبارت است از: ایجاد نوعی احساس همبستگی و تعلق و تلاش دسته جمعی میان افراد یک جامعه به منظور نیل به یک نظام عادلانه اجتماعی، در این معنی وسیع ساخت سیاسی، اقتصادی و اجتماعی توری تحول می یابد که به نیازها و تقاضاها و آزمونهای اکثریت محروم که به صورت گروههای متشکل و سازمان یافته در نیامده اند و نقش مهمی در اخذ تصمیمات ندارند، بیش از پیش پاسخگو می شود. از دید محدود مشارکت عبارت است از: متشکل ساختن گروههای محروم از مزایای اجتماعی به منظور تأمین برخی نیازهای ضروری آنها (که بوسیله دولت تأمین نمی شود و یا خارج از توانائی مالی دولت است) از طریق خودیاری. هر نوع فعالیت اجتماعی، اقتصادی، تعاونی، حقوقی، تبلیغاتی و... است که همه ی افراد به طور آزاد و داوطلبانه و با علاقه و میل شخصی خودشان، در رابطه با مسائل اجتماعی به عمل می آورند.

بیان مسئله:

موضوع تأمین مالی آموزش و پرورش از جمله موضوعاتی است که در سالهای اخیر توجه زیادی را به خود جلب نموده است. اختصاص حجم قابل ملاحظه ای از منابع به آموزش و پرورش، نیاز فزاینده به منابع بیشتر، ارتباط آموزش با رشد اقتصادی و عدالت اجتماعی، محدودیت های تأمین منابع مالی آموزش و پرورش، برنامه های حمایت از طبقات محروم برسر منابع یا آموزش و پرورش باعث گردیده است که سهم آموزش و پرورش در بودجه دولت به ویژه از اواسط دهه دوم پس از انقلاب به تدریج کاهش یافته و آموزش و پرورش با تنگناهای شدید مادی مواجه شود. از سوی دیگر بالاترین سرمایه گذاری های دولتی هنگامی که با حمایت مردمی و مشارکت های واقعی آنان همراه نباشد، راه به جایی نخواهد برد و همانطور که در بالا اشاره شد، در توزیع سرانه دانش آموزی کیفیت مطلوب و قابل قبولی مشاهده نخواهد شد.

اهداف تحقیق:

هدف کلی: آشنایی با ضرورت مشارکت همه جانبه مردم با نظام تعلیم و تربیت و راههای جلب مشارکت مردمی در آموزش و پرورش

اهداف جزئی عبارتند از:

- ۱- کشف راه های مناسب برای مشارکت های مردم در مدرسه سازی به منظور کاهش معضلات مالی آموزش و پرورش.
- ۲- بررسی راه های فعلی مشارکت های مردم در امر مدرسه سازی به منظور آگاهی از کم و کیف این مشارکت ها و ویژگی های هر یک.
- ۳- بررسی کاستی های موجود در مشارکت های فعلی جهت آگاهی از این کاستی ها و رفع آنها به منظور ایجاد مشارکت بیش از پیش مردم در امر مدرسه سازی.
- ۴- معرفی و ارائه راههای مناسب به منظور حصول مشارکت های مردمی در آموزش و پرورش.

تاریخچه مشارکت ایرانیان در آموزش و پرورش:

تربیت در ایران باستان بیشتر بر عهده ی دو نهاد خانواده و دین بود. مشارکت مردم در امور آموزش و پرورش را می توان در پیوند با این دو نهاد بررسی کرد. همین که طفل زبان به سخن باز میگشود، نخستین واژه که به او یاد می دادند نام ایزد بود، سپس نام زرتشت که وی را راهنمای دو جهان می دانستند. پس از اینکه کودک به هفت سالگی می رسید سرپرستی او را به مؤبدی می سپردند تا آموزشهای دینی و غیر دینی لازم را به او دهد و شیوه ی زندگی و آداب معاشرت را به او بیاموزند. بدین ترتیب همیاری خانواده و مؤبدان بنیاد آموزش را پایه ریزی کرد. دبستانها معمولا در محل آتشکده ها و بخشی از فضاهای آنها تأسیس می شدند. این نهاد مردمی برخاسته از مشارکت مردم و پاسداران دین بود. افزون بر همیاری خانواده ها و مؤبدان و آتشکده ها، به احتمال زیاد یکی از دیگر راههای مشارکت مردم با نهادهای آموزشی و دینی، وقف بوده است. این سنت در ایران باستان پیشینه ای روشن دارد. زیرا که برای نگهداری آتشکده ها و بر پاداشتن زراتشت و آسایش زندگی مغان و مؤبدان و هیربدان و... از درآمد زمین و خانه و باغهای وقفی بهره می گرفتند. مشارکتهایی که در این زمان صورت می گرفت بیشتر جنبه فرقه ای و گروهی داشت. کوشندگان هر آئین و مذهب بر آن بودند تا فرزندان خود را بر مبنای آئین و مذهب خود بپرورند. در آموزشگاههای رسمی بیشتر فرزندان طبقه بالا جامعه را آموزش می دادند. بنابراین می گفتند که مشارکت توده های مردم بیشتر در پیوند با نهادهای خانوادگی و دینی بوده است تا آموزشگاههای رسمی.

راه های گسترش مشارکت اولیا و مربیان:

به منظور توسعه مشارکت اولیا و مربیان می توان موارد زیر را مورد توجه قرار داد:

توجه به انتظار اولیا

یکی از راهکارهای گسترش مشارکت اولیا در فعالیت های متنوع مدرسه، توجه به انتظارات اولیاست. در تحقیق انجام شده تحت عنوان بررسی نگرش مدیران مدارس، اولیای دانش آموزان و کارشناسان، انجمن اولیا و مربیان سراسر کشور درباره طرح جامع مشارکت انتظار متقابل اولیا و مربیان مورد انتظار قرار گرفت.

مهم ترین انتظارات اولیا از مدیران بر اساس نتایج بدست آمده عبارتند از:

۱. حضور همه جانبه اولیا و مربیان در تصمیم گیری های آموزشی، پرورشی و اداره مدرسه
۲. اطلاع رسانی دقیق و به موقع درباره ی وضعیت تحصیلی و تربیتی دانش آموزانف مسائل و مشکلات مدرسه

۳. قدردانی از فعالیت ها و همکاری های مدرسه

۴. ایجاد فضای لازم برای رشد و شکوفایی استعداد های دانش آموزان

۵. استفاده مناسب از تواناییهای تخصصی و مهارتی اولیا

۶. برگزاری جلسات مشترک اولیا و مربیان به طور مستمر

۷. کیفیت بخشی به امر آموزش در مدارس.

ضرورت مشارکت مردمی:

- ۱- مشارکت مردمی مهمترین شیوه سازماندهی فعالیتهای مردم در جهت حل مسائل است
- ۲- با توجه به شناخت محلی، مردم هر منطقه قادر به تصمیم گیریهای منطقی درباره محیط و وضع موجود خود هستند.
- ۳- شرط لازم ایجاد الگوی توسعه این است که افراد ذی نفع فعالانه در برنامه ریزی آن دخالت داشته باشند. و نسبت به حسن جریان آن احساس مسئولیت کنند و در صورت لزوم برنامه بتواند از نیروهای داوطلب و منابع محلی یاری گیرد.
- ۴- نظارت محلی مردم در باب پیشرفت و دستاوردهای توسعه موجب حمایت آنان از پیامدهای توسعه می شود.

موانع مشارکت مردمی:

در واقع عوامل اصلی باز دارنده در امر مشارکت که از طریق تأثیر گذاری علل و عوامل دیگری پدید می آیند به دو دسته کلی قابل تفکیک اند.

نخست آن دسته از عوامل که به خصوصیات فردی و شخصیتی افرادی مربوط می شود که می بایستی در فرایند برنامه ها و پروژه های اجتماعی و امدادی مشارکت جویند.

دسته دوم عواملی هستند که بواسطه نارسائی های عملی در کار سازماندهی مشارکت های مردمی بروز می کند. از جنبه های فردی می توان به روحیات افراد و طرز تفکر آنان در قبال جامعه و افراد دیگر یاد کرد در سطح روابط فردی انسانهایی که دارای روحیه انزوا طلبانه خود کم بینی، ضعف اراده و بیگانگی با مسائل دیگران هستند فاقد دانش و جهان بینی که بتواند حوزه اندیشه و عمل آنان را فراتر از ده و محله و شهرستان سوق دهد، می باشد.

یافته های موجود

- ۱- در حال حاضر شیوه های مشارکت مردم در امر مدرسه سازی به صورت کمک های نقدی، اهدای زمین، احداث ساختمان مدرسه، اهدای خانه، تجهیز مدرسه، دادن مصالح و تشویق اولیای دانش آموزان و دوستان و آشنایان و تبلیغات و دعوت از افراد خیر برای احداث ساختمان است. طیف میزان مشارکت مردم از کمتر از یک میلیون تومان تا بیش از ۲۰۰ میلیون تومان و اهدای زمین از کمتر از هزارمتر تا ۱۰ هزار متر معرفی شده است.
- ۲- اهدای زمین و پول نقد از شیوه های موفق تر مشارکت معرفی شده اند. زیرا این گونه مشارکتها سهل تر و سریع تر صورت می گیرد.

- ۳- کاست یها و موانع موجود در امر مشارکت های مردم در امر مدرسه سازی به شرح زیر است:
کمبود تبلیغات و اطلاع رسانی و تشویق مردم، عدم آگاهی مردم با نحوه مشارکت و تاثیر آن
عدم فرهنگ سازی در زمینه مشارکت بی اعتمادی مردم نسبت به بعضی از مسئولین

عدم توجیه مردم از نظر شرعی

پشت گرمی به اعتبارات دولتی و نقض درقانون تحصیل رایگان و احساس طلب از دولت عدم وجود برنامه ریزی منظم و تشکیلاتی در نهادهای پیگیر کمبود نیروی انسانی متخصص در زمینه مشارکتهای مردمی

۴- برای رفع کاستیهای موجود در امر مشارکت های مردمی در امر مدرسه سازی اقدامات زیر ضروری است: تبلیغات مداوم و گسترده و اطلاع رسانی و تشویق و ترغیب و جلب توجه مردم به نحوه مشارکت و ارائه الگوهای مناسب به طرق مختلف.

شناسایی افراد متمکن و خیر در اقصی نقاط و دعوت از آنها توسط معتمدین ایجاد اعتماد در مردم تجلیل از خیرین مدرسه ساز فرهنگ سازی توجیه شرعی و اظهار نظر علما و مراجع در مورد اجرا اخروی مشارکت برنامه ریزی دقیق و جمع آوری اطلاعات برای مشارکت مردم و سازمانها جلب کمک های اندک و ناچیز

۵- قشرهای مختلف مردم مشارکت کننده در امر مدرسه سازی: کشاورز، کاسب و شاغل آزاد، بازنشسته، استاد دانشگاه، پزشک، چوبدار و مرغدار، خانه دار بوده و انگیزه های آنان برای مشارکت در امر مدرسه سازی بدین شرح است:

کمک به دانش آموزان، خصوصاً دانش آموزان بی بضاعت و محروم، توشه ای برای سفر آخرت، برای پیشرفت تعلیم و تربیت، انگیزه خیرخواهانه و قدم خیر برداشتن، زنده ماندن نام، نصیحت های پدر و...

۶- به روش های زیر می توان مشارکت مردم و در سطوح مختلف مدرسه سازی را گسترش داد:

تبلیغات و اطلاع رسانی در مورد وضعیت مدرسه ها و تشویق مردم و افراد خیر به مشارکت کمکهای فکری و عملی جذب کمک های اندک برنامه ریزی کوتاه، میان و بلند مدت برای توسعه مشارکت های مردمی تجلیل از خیرین و تقویت مدیریت خیرین بر بخش مشارکت های مردمی در مدرسه سازی از طریق انجمن اولیا و مجمع خیرین، برگزاری همایش، فطریه و نذورات و استفاده از رسان ها سازمان دهی تشکیلات مشارکت ها توجه به امر مدرسه سازی توسط روحانیون بخشی از پیشنهاد های تحقیق برگرفته از یافته های تحقیق و پیشنهاد جانبی به شرح زیر است:

- مطالعه تحقیق به خصوص بخش پیشینه یافته های آن به کارشناسان، سیاست گزاران و عوامل مرتبط به بخش مشارکت در آموزش و پرورش توصیه میشود.

با توجه به نقش و اهمیت توسعه فرهنگ مشارکت در میان مردم با همکاری معلمان، مدیران و دانش آموزان و سایر دست اندرکاران آموزش و پرورش، ضروری است با روشهای گوناگون از جمله برگزاری دوره های آموزش ضمن خدمت برای معلمان و مدیران، تهیه جزوات و بروشورهای آموزشی، نمایش فیلم و سخنرانی و... تفکر مشارکت، روشهای مشارکت و اهمیت و ضرورت مشارکت را به آنان آموزش داد.

- برانگیختن مردم، توسعه انگیزش و حفظ انگیزش خیرین و افراد مستعد به مشارکت در امر مدرسه سازی از ضروریات است.

در آموزش و پرورش، انتخاب مدیران و کارشناسان دارای تفکر مشارکت در راس امور مدرسه سازی از اهم برنامه های پیشنهادی است.

- انسجام و سامان دهی امور مشارکت در بخش مدرسه سازی از سطح ستاد تا مدرسه و سپردن امور به یک بخش و سازمان خاص، موجب هموار سازی راه مشارکت مردم در مدرسه سازی است.

- ضروری است با برنامه ریزی و سازماندهی اصولی نسبت به گسترش و توسعه مدارس غیرانتفاعی اقدام نمود.

- بهره گیری از فرهنگ زنده و موجود مشارکت، به خصوص فعال سازی فرهنگ وقف در میان مردم از توصیه های تحقیق است.

- حذف موانع مشارکت از جمله موانع موجود در سازمان ها و بخش های مختلف دولتی
- توسعه رو شهای جمع آوری کمک های مردمی به منظور جمع آوری کمک های خرد تا کلان نیاز به برنامه ریزی و سازماندهی ویژه ای دارد تا مردم نسبت به امکانات خود به هر نحوه ممکن و مقتضی در امور مدرسه سازی کمک نمایند.
- سازمان نوسازی در این جهت باید اقدامات لازم را انجام دهد.
- به کار گماری افراد معتمد، با تجربه و آموزش دیده در امور مربوط به مشارکت رغبت مردم را به کمک رسانی افزایش میدهد. اقدام فوری در این خصوص از ضروریات است.
- انجام عملی تعهدات آموزش و پرورش نسبت به سهم نوسازی و هموار سازی مشارکت مردم در مدرسه سازی و حذف موانع موجود بستر و مسیر مشارکت را ایجاد و هموار می نماید.
- لازم است با برنامه ریزی و ساماندهی مناسب بسترهای لازم را در این زمینه فراهم نمود.

نحوه مشارکت مردم در آموزش و پرورش

مشارکت در امر آموزش و پرورش می تواند مفید و مؤثر باشد به شرطی که افراد بیرون از ساختار آموزش و پرورش از طریق ارائه کمک های مالی و فکری و دادن پیشنهاد ها و نظرات خود دستاوردکاران را به طور غیر مستقیم در جهت بهبود وضع آموزش و پرورش راهنمایی و هدایت نمایند بدیهی است که همکاری و مشارکت دیگران جدای از آسیب های احتمالی آن می تواند آنقدر تأثیر گذار باشد که باعث تحول و دگرگونی و حتی پویایی آموزش و پرورش بشود به طوری که اگر این همکاری و مشارکت به صورت برنامه ریزی شده و کارشناسی شده باشد می تواند مقدار زیادی از بار سنگین تحمیل شده به آموزش و پرورش را کاهش داده و در صرفه جویی هزینه های کلان آن مؤثر باشد.

اولین نکته ای که در این زمینه باید به آن پرداخته شود این است که متأسفانه تحقق نیافتن مفهوم مشارکت به طور واقعی در آموزش و پرورش، جدایی بین مردم و دولت و مردم با مردم را به همراه آورده است. در حالی که مفهوم مشارکت به دلایل گوناگون از جمله بالا بودن انگیزه-ی دینی، خدمت به هممنوع، علاقه به گسترش علم و دانش در فرهنگ این کشور سابقه-ی دیرینه دارد.

گسترش مشارکتهای مردم در امور آموزش و پرورش نیازمند این است که زمینه و بستر لازم برای آن فراهم گردد. فراهم ساختن عدالت اجتماعی، وجود قوانین و مقررات و تشکیلات لازم در این زمینه، برقراری شکل های اجتماعی و فرهنگی، بر طرف کردن مقررات دست و پاگیر، امکان مبادله فکری، رفع تبعیض ها و فراهم کردن زمینه های برخورداری به نسبت برابر از امکانات اجتماعی و فرهنگی و... از جمله این زمینه هاست. باید پذیرفت که مشارکت، یک امر فرهنگی و عاطفی است. مشارکت امری تحکمی نیست که از بالا دستور تحقق آن صادر شود. مشارکت در درجه اول امری درونی است که از درون و وجدان آگاه افراد نشأت می گیرد. پس ضرورت دارد زمینه های اجتماعی و فرهنگی این انگیزه های درونی فراهم گردد. با توجه به پیچیده شدن جامعه امروزی دیگر نمی توان به مشارکتهای خودجوش و لحظه ای دل بست، بلکه برای تحقق مشارکت ها ضرورت دارد سازمان و تشکیلات و آیین نامه و مقررات ویژه پدید آید و همه مشارکت ها بر مبنای اصول و قوانین صورت پذیرد (محمودیان، ۱۳۸۲).

ضرورت مشارکت در نظام تعلیم و تربیت

موضوع مشارکت و چگونگی تحقق آن ریشه در تاریخ دیرینه ملت‌ها دارد و جوانبی از آموزش و پرورش بسیاری از کشورها از جمله کشورما نیز بر پایه‌ی آن استوار بوده است.

امروزه این مفهوم اهمیت دو چندان پیدا کرده و مشارکت در عرصه‌های گوناگون همواره مورد بحث بسیاری از اندیشه‌گران و دست‌اندرکاران بویژه در زمینه آموزش و پرورش قرار گرفته است. به گونه‌ای که به نظر برخی از اندیشه‌گران، محور اصلی توسعه برپایه مشارکت در آموزش و پرورش استوار است. به باور این صاحب‌نظران، برای توسعه یافتگی ضرورت دارد همواره در سیاست‌گذاری‌های کلان اجتماعی و اقتصادی دو عنصر آموزش و پرورش و مشارکت را تقویت کنیم. (قاسمی پویا، ۱۳۸۰)

گسترش و تعمیم آموزش عمومی و فراهم کردن امکانات آموزشی برای تمامی افراد جامعه، یکی از عمده‌ترین و مهمترین وظایف دولت‌هاست. این مسئله علاوه بر پاسخگویی به نیازهای اجتماعی و فرهنگی آنان، می‌تواند زمینه‌ساز و تامین‌کننده نیروی مورد نیاز توسعه اقتصادی و اجتماعی یک کشور شود. در این راستا نیاز به آموزش و پرورش که شاید بتوان گفت یکی از اساسی‌ترین و حیاتی‌ترین نیاز جامعه ماست باید مورد بررسی قرار گیرد و با توجه به رشد جمعیت در یک چشم‌انداز بلندمدت از یک طرف و محدودیت منابع از سوی دیگر چگونگی مشارکت مردم در آموزش و پرورش شناسایی شود.

آموزش و پرورش به عنوان یک نهاد اجتماعی وزیر مجموعه مهم بخش خدمات اقتصادی ملی در ایفای رسالت خویش نیازمند به کارگیری منابع مالی، مادی و انسانی قابل توجهی است. تامین این منابع بستگی دارد به سطح رشد اقتصادی، فرهنگی، سیاسی مردم و میزان اهمیت و مشارکتی که جامعه برای دستیابی به اهداف آموزش و پرورش دارد.

هر چند که آموزش و پرورش یک نیاز اساسی و یکی از وجوه حقوق بشر است اما در دنیای کنونی به دلیل انفجار جمعیت، محدودیت منابع و امکانات و... هنوز تعداد زیادی از انسان‌ها در دنیا، از رفتن به مدرسه محروم هستند. هزینه‌های آموزشی در همه ممالک جهان از جمله در کشور ما در چند دهه اخیر به شدت افزایش یافته است و کشورها به نسبت میزان رشد اقتصادی، درصدی از درآمد ناخالص ملی و رقم بسیار بالایی از بودجه سالانه خود را صرف سرمایه‌گذاری در آموزش و پرورش نموده‌اند. اما به دلیل نرخ بالای ثبت نام در مدارس این ارقام بیشتر شامل هزینه‌های مربوط حقوق کارکنان و معلمان و تهیه وسایل و امکانات می‌شود و کمتر در جهت ارتقای کیفیت آموزش و پرورش هزینه می‌گردد.

بنابراین در چنین شرایطی، جهت تحقق اهداف آموزش و پرورش، مشارکت مردم لازم و ضروری است. در غیر این صورت واحد‌های آموزشی کشور به عنوان خط مقدم جبهه تعلیم و تربیت، کارایی و اثربخشی لازم را نخواهد داشت.

آثار مشارکت مردم در آموزش و پرورش - اجرای بهتر و مناسب‌تر برنامه‌های آموزشی و پرورشی

- بهبود کیفیت برنامه‌های آموزشی و پرورشی

- تسریع در رسیدن به اهداف آموزشی و پرورشی

- افزایش بازدهی در امر آموزش و پرورش

نقش مشارکتهای مردمی در توسعه آموزش و پرورش

آموزش و پرورش مهمترین رکن توسعه است و توسعه را نباید در صرف توسعه سیاسی - اقتصادی بلکه توسعه اجتماعی یعنی جامعه‌ای که با مشارکت و با حضور و تلاش افراد شکل می‌گیرد و تداوم می‌یابد جستجو نمود و رشد کلی نه فقط به مدد منابع مادی بلکه بیشتر به یاری و مشارکت انسانها تحقق می‌یابد. ارزشهای مشارکتی، ارزشهای متنوع و گسترده‌ای هستند و هر اقدامی که ماهیت مشارکتی داشته باشد بر اتفاق نظر و همکاری و اعتماد متقابل دلالت می‌کند و در نماد مشارکتی همه یاد

می گیرند وهم یاد می دهند و استعدادها شکوفا می گردد و هرکس به قدر توان و استعدادش می تواند در رفع مسائل و دشواری ها کمک نماید.

آموزش و پرورش ذات مشارکت جویانه دارد و بدون مشارکتهای مردمی به سر منزل مقصود نمی رسد. در تاریخ آموزش و پرورش اکثر کشورها بسیاری از مسائل به یاری و مشارکت مردم حل شده است، لذا برای تحقق هدفهای مشارکت نه تنها ضرورت دارد که مفهوم و راههای مشارکت مردم در امور آموزش و پرورش بررسی شود بلکه باید به سبب ریشه دار بودن آن وجود تجربه های غنی جهانی در این زمینه از آنها استفاده شود و توان فرهنگی موجود ایران گواهی بر اعلام آمادگی مردم در حل مشکلات اجتماعی- اقتصادی دارد و آموزش و پرورش به عنوان یک نهاد در دیدگاه مردم از قداست فرهنگی خاصی برخوردار می باشد و مردم علاقه مند هستند که به علت ماندگار بودن امر تعلیم و تربیت و قداست معنوی آن بتوانند در ابعاد مختلف (مادی و معنوی) خدماتی را برای خود و خانواده ارائه دهند و لازم است آموزش و پرورش به دنبال ارائه الگوی سازمانی جایگاه مشارکت مردمی بوده و به صورت فعال با مردم ارتباط برقرار کرده و ضمن معرفی نیازهای خود باعث تقویت ارتباط با آنان باشد، لذا یکی از عوامل موثر در مشارکت، آگاهی عمومی است و هرچه آگاهی های مردم از چند و چون مسائل آموزش و پرورش بیشتر باشد شوق و علاقه به مشارکت افزون تر می شود و مدارس می توانند در پرورش شایستگی ها نقشی به مراتب با اهمیت تر از آنچه تاکنون داشته اند ایفا کنند و مدیران ستادی و اجرایی با الهام از سیاست کلی آموزش و پرورش مشکلات و تنگناها را با توجه به شرایط فرهنگی واجتماعی و جغرافیایی مورد بررسی قرار داده و راه های مشارکت را اعلام نمایند.

پیشنهادات:

در تحقیق حاضر یافته های متنوعی به دست آمده به طوری که علاوه بر فراهم آمدن پاسخ های مربوط به سوالات تحقیق یافته هایی درباره سوالات جانبی نیز فراهم گردیده است. در این جا سعی گردیده پیشنهاداتی مبتنی بر یافتن راههای تحقیق ارائه گردد که عبارتند از:

- با توجه به گستردگی و تنوع فرهنگ، وضعیت اقتصادی اجتماعی و سطح تحصیلات در استانهای مختلف کشور، لازم است در هر استان به صورت جداگانه راههای حصول مشارکت مردم در مدرسه سازی بررسی شود.

-انجام تحقیق در زمینه راه های جذب مشارکت های روستائیان در مدرسه سازی.

-ارزشیابی از روند توسعه و کاستی های موجود در تشکل های خیران مدرسه ساز در سراسر کشور

- مستند سازی تجربیات استانهای مختلف کشور در زمینه روشهای جلب مشارکتهای مردمی و انتشار تجربیات در سطح کشور

-افراد علاقه مند و مستعدی وجود دارند که مشتاقند در امر مدرسه سازی مشارکت نمایند. انجام تحقیق در زمینه چگونگی جذب مستعدان علاقمند به امر مدرسه سازی بی مناسبت نخواهد بود.

-انجام تحقیق در زمینه توسعه و گسترش فرهنگ مدرسه سازی در کشور

- شناسایی چگونگی روش ها و توسعه تبلیغات در خصوص حصول مشارکت های مردم در مدرسه سازی از طریق مراسم عبادی به خصوص نماز جماعت در سراسر کشور.

ضرورت ارتباط خانه و مدرسه

خانه و مدرسه در انجام وظایف تربیتی مکمل یکدیگرند خانه مدرسه ی اول فرزند و مدرسه، خانه دوم اوست و اگر این دو نهاد روش ها و برنامه های هماهنگ نداشته باشند، در روند رشد کودک اختلال به وجود می آید. دو نهاد خانه و مدرسه نقش اساسی در تکوین شخصیت دانش آموزان و نوجوانان دارند. بین روش ها و منش های خانه و مدرسه باید همسویی و تشابه وجود داشته باشد و یکی از این دو کانون، کار دیگری را خنثی نکنند، بلکه به عنوان دو جریان همدل و مکمل عمل کنند. (زرهانی و تاجیک، ۱۳۸۹) مدرسه باید پیشاهنگ ارتباط با خانه باشد و با روشهای گوناگون اسباب مشارکت فکری اولیا را در امر تعلیم و تربیت فرزندانشان فراهم کند.

روش های برقراری ارتباط میان خانه و مدرسه

والدین وظیفه دارند به طور مرتب با مدرسه ارتباط داشته باشند و با کسب اطلاعات کافی از وضع درس و اخلاقی دانش آموزان تصمیم معقولی برای مشارکت در تربیت اتخاذ کنند. در برقراری باید به چند نکته ی اساسی توجه کرد :

۱- والدین زمانی قادر خواهند بود نقش تربیتی خود را به نحو مطلوب ایفا کنند و با مدرسه ارتباطی صحیح برقرار نمایند که از وضع درس و رفتاری فرزندشان اطلاع کافی داشته باشند.

۲- والدین در موقع حضور در مدرسه، همیشه باید حفظ آرامش را به عنوان یک اصل به خاطر داشته باشند. گاهی ممکن است پدر و مادر با مشاهده ی ضعف درسی در دانش آموز و یا گریه های او که مخصوصاً در دوره ی ابتدایی بیش تر اتفاق می افتد، احساساتی شوند و به صورت خشن و برافروخته با اولیای مدرسه برخورد کنند. قطعاً چنین حالتی مخل برقراری ارتباط موثر با مسئولان مدرسه خواهد بود. آن چه انسان از آرامش به دست می آورد، از خشونت عاید او نمی شود. (کریمی، ۱۳۶۶)

۳- ارتباط اولیا با مسئولان مدرسه باید مستمر باشد. معنای استمرار این نیست که هر روز سری به مدرسه بزنند، بلکه لازم است به طور مرتب در منزل به وضع درسی و رفتاری فرزند خود رسیدگی کنند و بر طبق اطلاعات به دست آمده، با مدرسه ارتباط برقرار نمایند. حد و تعداد دفعات حضور در مدرسه را نحوه و میزان رسیدگی به وضع دانش آموزان معلوم می کند. گاهی معلوم جلساتی را در زمان های مختلف تشکیل می دهد و از والدین دعوت به عمل می آورد. حضور مرتب در این جلسات ضروری است و به هماهنگی اولیا و مربیان کمک می کند. (همان)

۴- والدین باید در مدرسه به عنوان ولی حضور پیدا کنند نه به عنوان فردی که در یک جای خاص مسئولیت دارد. اگر پدر یا مادر دانش آموز در وزارتخانه یا سازمانی، مسئولیت اجرایی سطح بالایی دارد و در انجا به عنوان رئیس ایفای نقش می کند و به تناسب مسئولیت، گاهی امر و نهی می نماید، نباید با همان شاکله و با همان انتظارات و تصورات وارد مدرسه شود. (قائمی، ۱۳۶۹)

همکاری خانه و مدرسه در امور آموزش دانش آموزان

همکاری والدین با مسئولان مدرسه، در دوره ی ابتدایی از اهمیت و جایگاه خاصی برخوردار است. می توان گفت بعد اصلی همکاری این دو را همکاری در مسائل آموزشی و پرورشی تشکیل می دهد. نخستین نکته اینکه والدین باید نسبت به پایه تحصیلی و عناوین دروس فرزند خودشان اطلاع کافی داشته باشند و با مطالعه مقدمه و مطالب آغازین کتاب های درسی آگاهی نسبی بدست آورند. گاهی در بحث های مقدماتی کتاب های درسی نکاتی درج می گردد که مطالعه ی آنها برای والدین ضروری است.

شناخت نقاط ضعف درسی دانش آموز و همفکری برای آن ضرورت دیگر ارتباط خانه و مدرسه است. پس از گذشت چند هفته از سال تحصیلی می توان در وضع درسی دانش آموز تامل کرد و نقاط ضعف و قوت او را شناخت. مطلب دیگر توجه والدین و معلمان به ویژگی های روانی دانش آموزان و ارتباط آن با پیشرفت تحصیلی آنان است. به عنوان مثال دانش آموزان نیاز به جلب توجه و ابراز خود دارند. آنها علاقه مند هستند که حاصل کار خودشان را عرضه کنند و بدین وسیله این نیاز در آنان تامین و ارضا شود. این نیاز در دوران مدرسه از طریق ارائه حاصل کارهای خود در امور درسی جلوه گر می شود. مثلاً ممکن است کودکی نقاشی بکشد و آن را نزد پدر و مادر خود بیاورد و ارائه دهد. در مقابل این عمل والدین باید به آن توجه کنند و کودک را مورد تشویق قرار دهند. احتیاج به هدف نیاز دیگر کودک است. اگر کودک بداند که درس را برای چه هدفی می خواند و آثار و نتایج هر یک از مواد درسی به او تفهیم شود علاقه اش به درس خواندن افزایش پیدا می کند. (استادان طرح جامع آموزش خانواده، ۱۳۸۰).

موانع مشارکت اولیا در مدرسه

چنانچه مشارکت را گذر از تفکر سنتی اداره ی امور به حساب آوریم، بدیهی است برای تحقق آن دشواری هایی وجود داشته باشد. مشارکت نگاه قدرت طلبانه و ساختارهای سنتی اداره را به مبارزه می طلبد بنابراین طبیعی است خود این ساختارها از جمله موانع اصلی مشارکت به حساب آیند.

موانع مشارکت اولیا در امور مدرسه در قالب انجمن اولیا و مربیان را می توان از دو منظر مورد توجه قرار داد.

۱. موانع مشارکت اولیا از سوی مدرسه

۲. موانع مشارکت از سوی اولیا

موانع مشارکت اولیا از سوی مدرسه

در هر مجموعه ای مدیر به عنوان اثر گذار ترین عامل در موفقیت آن در دست یابی به اهداف قلمداد می شود. از این رو نگاه مدیر مدرسه به انجمن اولیا و مربیان و مشارکت اولیا در امور مدرسه نقش اساسی در نزدیکی یا دوری اولیا به مدرسه ایفا می کند. نگاه مشارکت جویانه ی مدیران موجب استفاده ی مطلوب از ظرفیت ها ی اولیا می گردد و آنها نیز با نگاه خدمت به فرزندان خویش با مدرسه ارتباط صمیمی برقرار نموده، در رفع موانع و مشکلات آموزشی و پرورشی، از هر گونه اقدامی دریغ نمی کنند. (نقیه، ۱۳۸۷)

بر عکس، نگاه منفی مدیران به مشارکت اولیا موجب فاصله گرفتن آنها از مدرسه می شود و عملاً حل مسائل و مشکلات آموزشی و پرورشی مدرسه به آسانی صورت نمی گیرد. به طور خلاصه موانعی که از سوی مدرسه بر سر راه مشارکت اولیا در امور ایجاد می شود، به قرار زیر است:

۱ - نگاه سنتی مدیر به اداره ی مدرسه

۲ - آشنا نبودن مربیان به مزایای مشارکت اولیا. (بهبودی، ۱۳۹۰)

۳ - احساس ناتوانی در هدایت اولیا به سمت فعالیت های آموزشی و پرورشی.

۴ - ترس از مداخله ی بیجای اولیا در امور مدرسه.

۵ - نگاه منفی مدیر به حضور اولیا در مدرسه.

۶ - ترس از کم شدن قدرت مدیر یا به عبارتی قدرت طلبی مدیر.

۷ - نگاه سنتی به انجمن اولیا و مربیان مدرسه. (عرب نژاد، ۱۳۸۶)

۸- عدم انگیزه ی مدیر در جلب مشارکت اولیا.

موانع مشارکت از سوی اولیا

عدم مشارکت اولیا در امور مدرسه به عوامل متعددی بستگی دارد که از جمله ی مهم ترین آنها عوامل فرهنگی و اجتماعی و عدم آگاهی اولیا نسبت به حقوق خویش است. بسیاری از اولیا معتقدند که مسئولان مدرسه ارزشی برای عقاید و نظریات آموزشی و پرورشی آنها قائل نیستند. بسیاری از اولیا نیز تعلیم و تربیت را وظیفه ی دولت می دانند و هر گونه مسئولیتی در این زمینه را از خود سلب می کنند. برخی به تجربه دریافتند که مسئولان مدرسه از طریق انجمن اولیا و مربیان مدرسه تنها نگاه اقتصادی به آنها دارند و در دیگر امور هیچ حقی برایشان قائل نیستند. عواملی از این نوع و عدم آگاهی اولیا نسبت به حقوق خویش و فرزند خود موجب گردیده است که ارتباط اولیا و مربیان از انسجام لازم برخوردار نباشد. در نتیجه ی این امر، عدم موفقیت لازم در تعلیم و تربیت دانش آموزان، نوجوانان و جوانان بوده است. به طور خلاصه، برخی موانع مشارکت از سوی اولیا عبارتند از:

- ۱-عدم آگاهی از مزایای مشارکت.
- ۲-عدم آگاهی از حقوق خویش در قبال مدرسه
- ۳-ترس از درخواست کمک مالی به مدرسه
- ۴-ترس از موضع گیری خشونت آمیز مسئولین مدرسه در قبال ارائه ی عقاید و نظریات آموزشی و پرورشی.
- ۵-نداشتن فرصت مشارکت.
- ۶-عدم آگاهی نسبت به چگونگی مشارکت.
- ۷-باور داشتن به مسئولیت پذیر بودن فرزند. (همان)
- ۸-احساس بی توجهی نسبت به عقاید و نظریات آنها توسط مسئولین مدرسه.
- ۹-فقدان مکان مناسب برای حضور اولیا در مدرسه.
- ۱۰-برقراری ارتباط با مربیان.

راهکارهای افزایش مشارکت اولیا در مدرسه

برای مشارکت اولیا در امور مدرسه، تدوین راهبردی مبتنی بر سازمان دهی و اتخاذ سیاست ها و خط مشی هایی که بتواند مشارکت حد اکثری اولیا را به دنبال داشته باشد، از اهمیت و ضرورت خاص برخوردار است. البته سیاست مشارکتی باید با سیاست های تغییر نگرش مدیران و اولیا نسبت به برقراری ارتباط با هم افزایش انگیزه در آنها همراه باشد تا نتایج اثر بخش حاصل شود. در کنار اقدامات فوق برخی از راه هایی که موجب افزایش مشارکت اولیا می شود عبارتند از :

- ۱ - زمان کافی برای مشارکت اولیا وجود داشته باشد. در این جهت، دولت می تواند با تصویب قانونی، حضور اولیا، به ویژه پدران را در زمان برگزاری انتخابات انجمن اولیا و مربیان مدرسه و نیز تشکیل جلسات عمومی انجمن در طی سال، به مدت ۸ ساعت قانون مند نموده، جزء زمان کار آنها به حساب آورد. (استادان طرح جامع آموزش خانواده، ۱۳۸۰)
- ۲ - بازنگری در قوانین و مقررات موجود در زمینه ی ارتباط اولیا با مدارس و تدوین قوانین مرتبط با موضوع، در سطحی بالاتر از آموزش و پرورش، از جمله در هیأت محترم دولت یا مجلس محترم شورای اسلامی، با توجه به نیازها و الزامات فرا روی جامعه.

- ۳- هدایت قانون مند مدیران آموزش و پرورش از جمله مدیران مدارس در جهت جلب مشارکت های اولیا و ارزیابی از عملکرد آنها در این زمینه. (همان)
- ۴- پخش برنامه های مناسب از طریق رسانه های ارتباط جمعی، به ویژه تلویزیون، برای تبیین مزایای مشارکت اولیا در امور مدرسه.
- ۵- افزایش منابع و امکانات انجمن اولیا و مربیان برای اجرای برنامه های مرتبط با جذب مشارکت های اولیا.
- ۶- آگاه ساختن معلمان در مورد توانایی و ظرفیت عظیم اولیا در آموزش و پرورش دانش آموزان و نوجوانان (حائری زاده، محمد حسین، ۱۳۷۴)
- ۷- آموزش معلمان در جهت تقویت مهارت های ارتباطی آنان با اولیا برای شناخت بهتر انتظارات و نیازهای طبقات مختلف اجتماعی.
- ۸- ایجاد تغییر و تحول در نحوه ی تشکیل انجمن اولیا و مربیان در مدرسه.
- ۹- قدردانی از فعالیت ها و همکاری های اولیا در مدرسه
- ۱۰- استفاده مناسب از توانایی های تخصصی و مهارت های اولیا.
- ۱۱- تقویت مهارت های آموزشی و پرورشی اولیا.
- ۱۲- ایجاد تحول در جامعه ی محلی اطراف مدرسه، بازدید معلمان از خانه دانش آموزان پر مسئله، حضور داوطلبان در مدرسه و... (استادان طرح جامع آموزش خانواده، ۱۳۸۰).

نتیجه گیری:

امروزه در کشور ما مشارکت مردم در امر تعلیم و تربیت، بیش از هر زمان دیگری ضرورت یافته است. این امر از یکسو به اهمیت آموزش و پرورش و نقشی که این امر در توسعه ملی کشور دارد و از سوی دیگر به ناکافی بودن بودجه و امکانات دولت علیرغم بیشترین حجم سرمایه گذاری ملی در این بخش مربوط می شود. رابطه همه جانبه مردم با دستگاه تعلیم و تربیت تعاملی دوطرفه است. هر دو نهاد باید به نقش خود عمل کنند تا تعلیم و تربیت ثمربخش شوند. همکاری و هماهنگی این دو نهاد مهم در یک برنامه واحد و منسجم می تواند ثمربخش باشد. شکل گیری شخصیت و چگونگی رشد روانی دانش آموزان بیش از همه در گرو عملکرد رابطه والدین با دستگاه تعلیم و تربیت است. پس در پرتو همدلی و همسویی این دو نهاد مهم آموزشی و تربیتی بسیاری از مشکلات و تنگناهای نظام تعلیم و تربیت حل خواهد شد.

منابع

- آقازاده، احمد (۱۳۷۱) شیوه های مدیریت در آموزش و پرورش، بی تا.
- آقازاده، احمد (۱۳۷۲) شیوه های مدیریت و مشارکت مردم در آموزش و پرورش انگلستان و ژاپن، فصل نامه پژوهش در مسائل تعلیم و تربیت. انتشارات پژوهشکده تعلیم و تربیت، شماره ۱ و ۲
- آرام، احمد (۱۳۷۴) تاریخ و یلدوران کتاب اول، مشرق زمین. گاهواره تمدن، انتشارات امیرکبیر، تهران.
- ابن خلدون، عبدالرحمن (۱۳۵۲)، مقدمه ابن خلدون، ترجمه محمد پروین گنابادی، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
- احسنی، کاظم (۱۳۶۵) تحلیل مقدماتی از مقوله مشارکت، انتشارات سازمان برنامه و بودجه استان تهران.
- افلاطون (۱۳۵۳) جمهوری. ترجمه رضا کیاویانی و محمد حسن لطفی، تهران، ابن سینا.
- امانی، محمد علی (۱۳۶۹) مشارکت بخش خصوصی در فعالیت های اقتصادی کشور، انتشارات سازمان برنامه و بودجه کشور.

امانی، محمد علی (۱۳۷۸) مسئله واگذاری امور فرهنگی به مردم، انتشارات سازمان برنامه و بودجه استان تهران.
ایمان، محمد تقی (۱۳۸۰) ارزیابی طراحی تشکیلات مشارکت های مردمی انتشارات شورای تحقیقات آموزش و پرورش
استان فارس.

بیرو، آلن (۱۳۷۰) فرهنگ علوم اجتماعی، ترجمه باقرساروخانی، تهران، انتشارات کیهان، جلد دوم.